

کوچ سرمایه انسانی از صنعت

ادامه از صفحه ۱

اختلال‌هایی که طی بیش از یک دهه ثبت شده است و اکنون خود را بصورت خروج سرمایه انسانی از بخش‌های مولد نشان می‌دهد. گزارش‌های متعدد از خالی شدن خطوط تولید، کمبود نیروی کار در صنایع مانند نساجی و معادن و انتقال نیروی انسانی به بخش خدمات، همگی مؤید این واقعیت هستند که صنعت ایران در حال از دست دادن یکی از حیاتی‌ترین پندهای خود است. در سطحی عمیق‌تر، کوچ نیروی کار از صنعت را باید نشانه‌ای از زوال ساختاری و پایان کارایی مدل توسعه صنعتی موجود دانست. مدلی که در شرایط تورم مزمن، بی‌ثباتی سیاستی، تحریم‌های طولانی‌مدت و بحران انرژی، دیگر قادر نیست هم برای سرمایه‌گذار و هم برای نیروی کار لایق قابل دفاعی ترسیم کند. از این منظر، مساله نیروی کار نه یک بحران بخشی، بلکه بازتاب یک بحران ساختاری در اقتصاد کلان است.

اقتصاد ایران سال‌هاست درگیر رکود تورمی مزمن است و وضعیتی که در آن رشد اقتصادی ضعیف با تورم بالا به‌طور همزمان تداوم یافته است. تورم چندمرگی که ریشه در کسری بودجه ساختاری، سیاست‌های پولی انبساطی و شوک‌های بیرونی دارد، نو اثر متقابل اما هم‌پایا بر بخش صنعت گذاشته است. از یک‌سوی افزایش قدرت خرید، خلأ در تقاضای موثر برای کالاهای صنعتی داخلی کاهش یافته و به‌نگاه با فروش دشوار و انبارهای پر از محصول مواجه شده‌اند. از سوی دیگر، تورم عمومی، هزینه نهادهای تولیدی - از مواد اولیه و سرمایه در گردش گرفته تا حمل و نقل و انرژی - را به شدت افزایش داده است. این وضعیت، به‌نگاه صنعتی را در نوبی همگنه هزینه-فروش قرار داده است. هزینه‌های به‌سرعت افزایش می‌یابد اما امکان انتقال کامل آن به قیمت فروش، به‌دلیل ضعف تقاضا، وجود نداشتن نتیجه طبیعی این فرایند، فشرده شدن حاشیه سود، اختلال در جریان نقدینگی و نابرابری به‌نگاه در پرداخت دستمزدها، به‌زبان معیشت است. در چنین شرایطی، انتظار حفظ نیروی کار در صنعت، انتظاری غیرعقلانیست.

در این چارچوب، یکی از تحولات مهم اقتصاد ایران، جابه‌جایی بازدهی نسبی فعالیت‌ها از صنعت به خدمات بوده است. در محیطی که بی‌ثباتی کلان، بالاساخت‌های سرمایه‌ای، بلندمدت و بی‌ثبات درآمد پیش‌بینی‌پذیری، معاند صنعت - جذابیت خود را از دست می‌دهند. در مقابل، بخش خدمات، به‌ویژه خدمات کسب‌وکار، به‌دلیل انعطاف‌پذیری و انحصار غیررسمی، توانسته است سریع‌تر خود را با تورم تطبیق دهد و درآمد اسمی بالاتری ایجاد کند. مهاجرت نیروی کار به این بخش، نه نشانه گریز از کار، بلکه تصمیمی عقلانی در پاسخ به تفاوت بازدهی بخش‌هاست.

با این حال، نکته مهم آن است که بخش قابل‌توجهی از این انتقال خدمتی، شکننده، کم‌پرمی و فاقد اثرات افزوده پایدار است. جذابیت کوتاه‌مدت این مشاغل، لزوماً به معنای توان آنها برای ایجاد اشتغال مولد و رشد بلندمدت نیست. از این منظر، خروج نیروی کار از صنعت اگرچه برای فرد منتفع است، اما در سطح کلان، به تضعیف پایه‌های تولید ملی منجر می‌شود. عامل تشدیدکننده دیگر، بحران انرژی است. قطعی‌های مکرر برق و گاز، افزایش نااطمینانی و هزینه‌های عملیاتی، به‌ویژه در صنایع انرژی‌بر، شوک هزینه‌ای سنگینی به بخش صنعت وارد کرده است. صنایع که زمانی بر مزیت نسبی انرژی ارزان استوار بودند، اکنون با افزایش هزینه و اختلال در تولید مواجهند. این نااطمینانی مستقیماً به‌بازار کار منتقل شده و ریفه کارگر و به‌نگاه را شکننده کرده است. به‌نگاهی که فقر تولید روستی ندارد. نمی‌تواند تعهد بلندمدت به نیروی کار بدهد.

در کنار این عوامل، به‌روری پایین و شکاف فناوری یکی از ریشه‌های ترین مشکلات صنعت ایران است. فرسودگی ماشین‌آلات، محدودیت دسترسی به فناوری‌های روز و قطعات به‌دلیل تحریم‌ها، ضعف نظام آموزش مهارتی و ناکارآمدی مدیریت، همگی باعث شده‌اند ارزش افزوده ایجادشده توسط هر کارگر پایین بماند. این زنجیره به‌روستایی قابل ترسیم است.

تجربیم بی‌ثباتی - تحت‌تأثیر جنگی فناوری - به‌روری پایین - دستمزد غیرعقلانی

در چنین شرایطی، حتی به‌نگاه‌هایی که تمایل به حفظ نیروی کار دارند، از نظر اقتصادی توان آن را ندارند. این وضعیت بازگرداندن سرمایه‌گذاری تشدید شده است. تغییرات مکرر سیاست‌ها و محدودیت دسترسی به منابع مالی، سرمایه‌گذاری جدید در صنعت را به حائل رسیده است. بدون سرمایه‌گذاری، نوسازی فناوری و افزایش به‌روری ممکن نیست و این خود به کاهش اشتغال و تعمیق رکود می‌انجامد. به این ترتیب، اقتصاد در یک چرخه معیوب گرفتار می‌شود.

تشدید رکود - افت به‌روری و انتقال - کاهش سرمایه‌گذاری - رکود در این میان، آنچه که آن را به عنوان «هتساز کاری» روحیه نسل جدید با کار صنعتی یاد می‌شود، بیش از آنکه مساله فرهنگی باشد، بازتاب تغییر انتظارات نیروی کار از کیفیت شغل است. نسل جدید به امنیت شغلی، امکان رشد تهاول کار و زندگی و شأن اجتماعی شغل اهمیت بیشتری می‌دهد. صنعت ایران، در وضعیت کنونی، در تلفیق این مؤلفه‌ها ناتوان است و طبیعی است که نیروی کار به سمت گزینه‌های جایگزین حرکت کند. پدیده‌های تداوم این روند فراتر از کاهش تولید است. خروج نیروی کار ماهر، به‌معنای راسخ سرمایه‌انسانی ملی است که به‌بازار کار آن فرایند به‌زبان و زمان خواهد بود. تصفیه صنعت و باستانگی به وراثت افزایش می‌دهد و اقتصاد در برابر شوک‌های خارجی آسیب‌پذیرتر می‌گردد. افزون بر این، زوال صنایع و اختلال مناطق خاصی متمرکزند به تمعین نابرابری‌های منطقه‌ای و رورده محلی می‌انجامد.

در مجموع، کوچ نیروی کار از صنعت زنگ خطری است که نشان می‌دهد مدل فعلی توسعه صنعتی ایران به پایان چرخه کارایی خود نزدیک شده است. پاسخ به این بحران، سیاست‌های مقطعی یا دستوری نیست، بلکه نیازمند اصلاحات ساختاری در سیاست انرژی، تقویت به‌روری و بازتربیف رابطه کار و صنعت بدون این اصلاحات، خروج سرمایه‌انسانی ادامه خواهد یافت و هزینه آن را فقط به‌نگاه، بلکه کل اقتصاد ایران خواهد پرداخت. آینده صنعت ایران، بیش از هر چیز، به تصمیم‌های امروز سیاست‌گذاران گره خورده است.

دکتر فرید خدادادی
عضو هیات علمی دانشکده مدیریت
payam@alborz.com

پیام آشنا گزارش می‌دهد

هماهنگی اقتصادی و مدیریت روانی؛ کلید آرامش بازار



گفته‌وی، امکانات و کالا در کشور کافی است و دولت و مجلس با تمام توان در تلاش‌اند تا نوسانات ارزی و تأثیرات آن بر معیشت مردم را مدیریت کنند. این اظهارات نشان می‌دهد که دولت در کنار اقدامات اقتصادی و قضایی، توجه ویژه‌ای به مدیریت روانی بازار، اعتماد عمومی و شفاف‌سازی سیاست‌ها دارد. زیرا تجربه روزهای اخیر ثابت کرده که بدون همراهی مردم و فعالان اقتصادی، حتی سیاست‌های قاطع و اقدامات نظارتی نمی‌تواند به ثبات بازار منجر شود. ساختن پور جمشیدیان نشان می‌دهد که کنترل نوسانات ارزی نیازمند ترکیبی از سیاست‌های اقتصادی ملموس، برخورد بازدارنده با اخلاک‌گرا، و همراهی مردم و فعالان اقتصادی است. هرملی مردم و اعتماد فعالان اقتصادی، تثبیت معاملات، کاهش التهابات روانی و بازگرداندن آرامش به بازار دارد.

دستور قاطع اژه ای برای برخورد بازدارنده با اخلاک‌گرا اقتصادی همزمان، رئیس قوه قضاییه، حجت‌الاسلام

روانی بازار را نیز در دستور کار قرار دهد تا اعتماد عمومی حفظ شده و اثرات متفی نوسانات کاهش یابد.

تأثیر جنگ روانی دشمن بر بازار

فعالان اقتصادی و کارشناسان بازار تأکید می‌کنند که نوسانات روانی و رسانه‌ای می‌تواند به افکار تغییرات واقعی قیمت، معاملات و اعتماد عمومی را تحت تأثیر قرار دهد. حتی در شرایطی که کالا و منتج کافی در کشور موجود است، اضطراب، شایعات و عدم اطمینان فعالان اقتصادی می‌تواند اشتفگی در بازار و اختلال در معاملات ایجاد کند. جنگ روانی دشمن با هدف القای نگرانی، کاهش اعتماد عمومی و فشار بر معیشت مردم طراحی شده و با بهره‌گیری از شبکه‌های اطلاع‌رسانی و فضای مجازی، توانسته رفتار بازار را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

این واقعیت نشان می‌دهد که کنترل نوسانات اقتصادی تنها با سیاست‌های مالی و قضایی ممکن نیست و لازم است مسئولان با اقدامات هماهنگ اطلاع‌رسانی شفاف و مدیریت

اختصاصی پیام آشنا - در روزهای اخیر، افزایش شدید نرخ ارز و طلا موجب شد جمعی از کسبه و بازاریان در نقاط مختلف بازار تهران از جمله خیابان جمهوری، سبزه میدان و چهارراه استقبول، مغازه‌های خود را تعطیل یا نیمه تعطیل کرده و اعتراض خود را نسبت به بی‌ثباتی قیمت‌ها و نوسانات غیرقابل پیش‌بینی بازار اعلام کنند. بازاریان نگرانی خود از تأثیر نوسانات ارزی بر امکان قیمت‌گذاری و معاملات بیان کردند. فعالان بازار اعلام کردند که این نوسانات باعث دشواری در تأمین کالا و انجام معاملات شده است. آن‌ها همچنین خواستار اقدام فوری سیاست‌گذاران اقتصادی و ایجاد چشم‌پااز روشن برای بازار و مردم شدند.

تأثیر جنگ روانی دشمن بر بازار

فعالان اقتصادی و کارشناسان بازار تأکید می‌کنند که نوسانات روانی و رسانه‌ای می‌تواند به افکار تغییرات واقعی قیمت، معاملات و اعتماد عمومی را تحت تأثیر قرار دهد. حتی در شرایطی که کالا و منتج کافی در کشور موجود است، اضطراب، شایعات و عدم اطمینان فعالان اقتصادی می‌تواند اشتفگی در بازار و اختلال در معاملات ایجاد کند. جنگ روانی دشمن با هدف القای نگرانی، کاهش اعتماد عمومی و فشار بر معیشت مردم طراحی شده و با بهره‌گیری از شبکه‌های اطلاع‌رسانی و فضای مجازی، توانسته رفتار بازار را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

این واقعیت نشان می‌دهد که کنترل نوسانات اقتصادی تنها با سیاست‌های مالی و قضایی ممکن نیست و لازم است مسئولان با اقدامات هماهنگ اطلاع‌رسانی شفاف و مدیریت



نماینده مردم البرز در مجلس شورای اسلامی با انتقاد از وابستگی دولتها به فروش نفت، گاز و دارایی‌های سرمایه‌ای، تأکید کرد نبود مدیریت یکپارچه و برنامه جامع، به‌ویژه در حوزه فرهنگ کشور را با چالش‌های جدی مواجه کرده و اصلاح ساختار درآمدی و مأموریت‌محور شدن دستگاه‌ها ضروری است. اینجانب تأکید داشت.

به گزارش پیام آشنا، علی شیرین‌زاد، نماینده مردم البرز در مجلس شورای اسلامی، با حضور در برنامه «نگاه مردم» و با محوریت «البرز: میان آینده و اچراه»، به تشریح دیدگاه‌های خود درباره ساختار درآمدی دولت، چالش‌های فرهنگی و الزامات مدیریت یکپارچه پرداخت. وی با انتقاد از وابستگی دولتها به درآمد‌های ناپایدار گفت: دولتها می‌توانند با طول چند دهه گذشته به نوعی به «هفت‌خوری» عادت کرده‌اند. به این معنا که سرمایه‌های نهادهای و ذاتی کشور مانند نفت و گاز را به فروش

شیرین‌زاد:

کشور نیازمند در آمد پایدار و مدیریت واحد است

نماینده مردم البرز در ادامه به برخی چالش‌های اجرایی اشاره کرد و افزود: بخشی از مشکلات به فرسودگی ساختارها و بخشی دیگر به قوانین جدید از جمله قوانین حوزه جوانی جمعیت بازمی‌گردد که در میدان اجرا چالش‌هایی ایجاد کرده است. نمونه آن موضوع تأثیر پایه یازدهم در کتک‌ور است که از یک سو شورای فرهنگی بر عدم تجدیدنظر مصوبه تأکید دارد و از سوی دیگر، دانش‌آموزان و خانواده‌ها با مشکلاتی مواجهند.

وی وظیفه مجلس را تعدیل‌گری و حل تعارض‌ها دانست و خاطرنشان کرد: به دلیل تعارض میان دستگاه‌های تصمیم‌گیر، روند اصلاحات کند پیش می‌رود. اگر مرجعی واحد با مشورت دستگاه‌های اجرایی، مأموریت‌ها را مشخص کند، بسیاری از مشکلات مرتفع خواهد شد. مأموریتی که در انتقادات پسته تعریف و در فضای باز اجرا می‌شود، باید با اعضای آسب‌ها و به استفاده از عقل جمعی کمسیون‌ها به گونه‌ای طراحی شود که با بیشترین دقت، کمترین عارضه را به همراه داشته باشد.

کلیات لایحه بودجه در کمسیون تلفیق تصویب نشد

اگر نمایندگان مجلس نیز در جلسه علنی امروز با کلیات لایحه بودجه مخالفت کردند، لایحه بودجه به دولت برای اعمال اصلاحاتی برگردانده می‌شود. در این صورت دولت ۵ روز برای اعمال اصلاحات در لایحه بودجه فرصت دارد و مجدداً فرایند بررسی کلیات بودجه در مجلس طی می‌شود.

کلیات بودجه بود ساخته دوم دی ماه لایحه بودجه ۱۴۰۵ توسط رئیس جمهور به مجلس تقدیم شد و همان زمان جلسه کمسیون تلفیق برای بررسی کلیات شروع شد. قرار است مجلس در جلسه علنی امروز (شنبه ۹ دی) به بررسی کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ بپردازد.

این کمسیون درباره لایحه بودجه ۱۴۰۵ رای گیری شد و کمسیون با کلیات این لایحه مخالفت کرد. به گفته وی، ترمزهای لایحه، دغدغه معیشتی و کاهش قدرت خرید مردم و نگرانی جدی از عدم تحقق درآمدهای عمومی، از جمله دلایل مخالفت کمسیون تلفیق با

سخت‌گیری کمسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۵ در تصویب شدن کلیات لایحه بودجه در جلسه دیروز این کمسیون خبر داد.

به گزارش پیام آشنا، مجتبی یوسفی سخنگوی کمسیون تلفیق با اشاره به جلسه دیروز این کمسیون گفت در جلسه عصر